

مختصری از شرح حال پرفسور لانترون

پرفسور لانترون در ۱۸۷۲ متولد و دارای فوق علمی و آرتس بود پس از اتمام تحصیلات فیزیکیان قابل شد ولی بعلت دارا بودن آنکه آزادخواهانه تا این اواخر او را در فرهنگستان علوم فرانسه نبی پذیرفته زیرا اکثر اعضاء اشغالی آنرا مجمع و اشراف و سلطنت طلبان تشکیل میداد پس از آنکه این دانشمند بهضوت اغلب آگاهان جهان و بهخصوص در فرهنگستان سلطنتی لندن پذیرفته شد در فرانسه هم محبوبا او را قبول کردند .

ناپذیرده تا این اواخر استاد فیزیک در کوازوفرانس بود و یا نهایت دقت بانجام وظیفه ادامه میداد و اخیرا بسوربون منتقل گردید و راجع بفرانسه الکتریکی و بنامیک الکترون و مغناطیسی و همچنین راجع ثابت سرعت نور تئوری پارامانیسم کارهای او مورد تقدیر دبای علمی قرار گرفت ولی او مطالعات علمی اکتفا نموده بلکه در قسمت فلسفه و علم اجتماع نیز بهوشکا و بررسی میپردازد رفقای صمیمی او عبارت بودند از ژان پیرن و ژور ژورن که اتفاقا هر دو فوت کردند در این اواخر جمعیتی که طرفدار روسیونالیسم بود تحت نظر این استاد تشکیل گردید از همکاران مهم او یکی مارسل پیر و دیگری ژورژ کونیو را باید نام برد جمله ای از بنام «دانش» انتشار داده پس از جنگ نیز رسماً عضویت حزب کمونیست را پذیرفت .

بقیه از شماره پیش مسئله مستعمرات

نظر امریکاییان اینستکه اینت کمیسیون ها فقط ر امور هنوز نظارت داشته باشد بلکه علاوه اداره مستعمرات شرکت کند در صورتیکه انگلیسها اگر چه حاضرند که باین کشور ها خود مختاری بدهند ولی بیشتر نظراتشان اینستکه در چارچوب ابراطوری بریتانیا باقی بمانند این مطلب را چندی پیش ستانی وزیر مستعمرات دولت بریتانیا صریحا اظهار داشت .

موضوع مستعمرات در مجلس عوام انگلستان نیز مورد بحث و مذاکره قرار گرفته است مثلا در ماه فوریه امسال در هنگامیکه وزیر مستعمرات قانونی بمنظور اصلاح و رفاه عمومی در مستعمرات پیشنهاد کرد حتی نمایندگان دست راست و محافظه کار نیز اعتراضاتی بسیار استعماری بریتانیا داشتند و وزیر مستعمرات اقرار کرد که این قانون موضوع مستعمرات را حل نمیکند و با تصویب

ملت هائی که در فیداستعمار ابراطوری های بزرگ بودند در این جنگ با کشور های دموکراسی همکاری کردند و ملاحظه خود را نسبت باصول دموکراسی ابراز داشتند .

آلمان فاشیستی نهایت کوشش را کرد که شاید اینطور و نمودن پیروزی آلمان موجب نجات مستعمرات خواهد بود - مشبه کردن سیاست واقعی آلمان در نظر مستعمرات و برانگیختن آنها بر علیه کشور های دموکراسی از وسایلی است که آلمان برای حصول پیروزی انتخاب کرده بود - ولی ساکنین مستعمرات این موضوع را درک کردند که آلمان نازی سیاست خاص تقوی نوادی و آفرینی جهانی خود دستگامی نیست که با کسی آزادی بدهد بلکه نالکسی کوچکترین رفق هم برای آنها نخواهد گذارد و بنا بر این صلاح خود را در مساعدت بسا چشم دوخته دیدند و در این زمینه فداکاری کردند و البته بجای است که پس فداکاری ها خواهان آن باشند که ملل پیروزمند برای آنها هم وصفت رادرا آینه نامین کنند .

چیزی که باید متذکر اینست که چون نام صنایع ممالک متوجه تامین احتیاجات خود را رفع نمیکردند بلکه توانسته اند که دیگران بکنند باین ترتیب البته حق دادند دشمنان تجدید نظر در روابط پیشین باشد .

از همه مهتر اختلافاتی است که در صورت نبودن یک سازمان قطعا بین کشورهای زرکی مخصوصا آمریکا و انگلستان در موضوع مستعمراتی رخ خواهد داد و بفرض این که هر دوی این کشور متکی به منشور لاتریک هم باشند هر یک آن را بنفع نظریه خود میکند .

امریکائی ها در این زمینه طرفدار تجدید نظری هستند که بازاریها را برای آنها آزاد کند و در های مستعمرات را بروی کالاهای بازار نماید .

بهای اشتراك

سه ماهه	۷۰ ریال
شش ماهه	۱۳۰ <
یکساله	۲۵۰ <

تک شماره ۵ ریال

این روزنامه زیر نظر :

ادامه بحران

دکتر رضازاد منش نماینده مجلس

روز تمام از سقوط کابینه آقای بیات میگذرد هنوز گام مثبتی در این و در راه تعیین دولت جدید برداشته نشده اکثریت نمایندگان درین ساعات حیات ملت ایران را بیپوده میگذرانند

و غارت دزدی اموال عمومی سلب آزادی فردی فقدان امنیت ملی بودن خزانه دولت تیرگی روابط خارجی بکلی شیرازه دستگام می ایران را از هم پاشیده و متاسفانه باید اذعان نمود که هر چه و مرجی در کلیه شئون کشور حکم فرماست .

این معادله البته تا فریاد میزند که در غایت دولت چه رویه ای را تعقیب و در موارد لازم باید کابینه ای که بنام ملت ایران در کنفرانس سان فرانسسکو شرکت نمودند را برانداختند .

ولی فریاد و مستعمرات بلند شده اند و اینجکه بیبوت رسیده که صلح دنیا ناپذیر است و اگر قرار شود که در دنیا بر فراز نمای باید از میلیونها مردمان مظلوم فدایی این منظور استفاده کرد .

ملاطفت و ننگ زده ای که امروز درد قیق ترین موقعیت تاریخی قادر بود که داخلی نیست بطور قطع فراهم قادر به حل مشکلات خارجی بود .

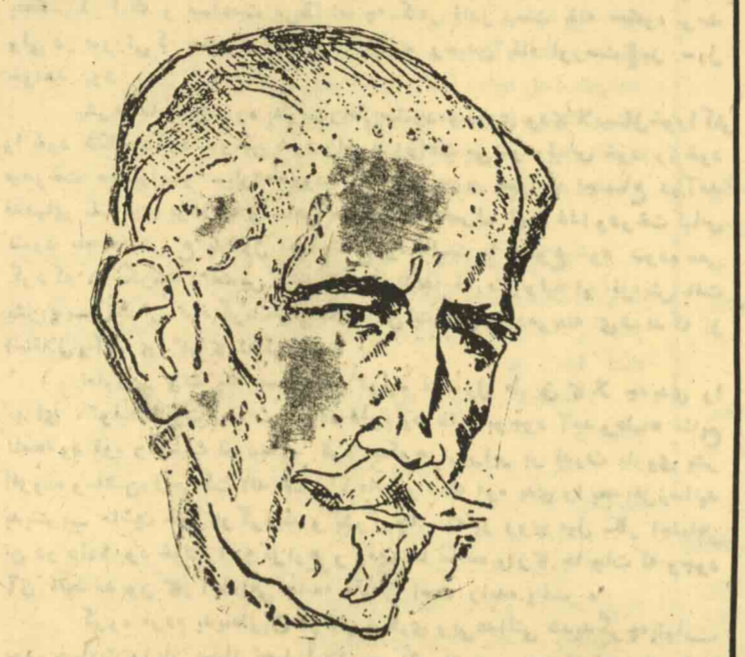
در ماه از عمر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی میگذرد بیشتر این سالها مبارزات شخصی و رفت و آمد دولت ها ای که منافع خصوصی ای عده زیادی از نمایندگان مجلس مقدرات کشور در درجه دوم قرار گرفته باتمام قوی باجاری امپال و تامین منافع خود مشغول با

کود فکری خاصی باوضاع و احوال فعلی مینگریند و نمایان نمایندگان آراد بخواد و اصلاح طلب که از ابتدای افتتاح پاردهم با اکثریت ناصالح مجلس در ستیزند رفته رفته بر شدت بود افزوده تا جاییکه امروز نزدیک به نیمی از نمایندگان را با خود بصمیمت که از این پس در تحت تعهد اراده دسته بندی های سابق قرار نگرفته و بطوریکه مقتضیات فعلی ایجاب مینماید دولتی

ملاحظه میشود در طرف مبارز که تاکنون بنام اکثریت نامیده شده اند صفوف مستحکم تشکیل داده و ممکن است با تاثیر در چندین از نمایندگان مردم تعادل سابق بکلی بهم خورد و مجلس ملی قیافه جدیدی بخود گیرد

مکتب

برای روشن فکران



بقیه از شماره پیش

فیزیک جدید و جبر علمه نوشتیه پرفسور پیل لانترون عضو فرهنگستان علوم فرانسه استاد دانشگاه پاریس

تاریخ تئوری نور بسا فیزیکی دانهائی را نشان میدهد که بی در پی نظریات ذره ای و موجی نور را پذیرفته اند تئوری ذره ای همانست که لو کرس بیان میکند در قرنهای ۱۷ و ۱۸ می بینیم که هویگنس و نیوتون اولی تئوری موجی و دمی تئوری ذره ای را قبول میکنند و این نظریه اخیر بالاتفاق توسط کله فیزیکی دانه ها پذیرفته میگردد تا آنکه فیزیک تئوری موجی مکانیکی اثر را جانشین آن میسازد سپس این تئوری نیز جای خود را به تئوری موجی الکترون و مغناطیسی ما کسوتل می سپارد .

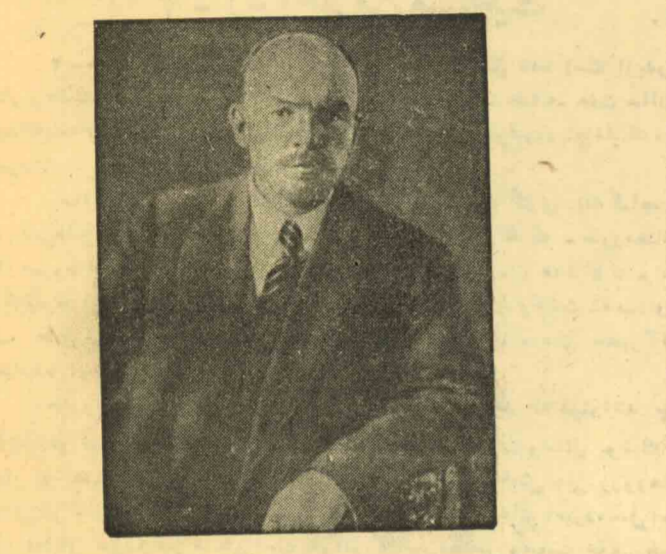
تشکیل کنفرانس سان فرانسسکو

بر حسب وقتیکه برای گشایش سان فرانسسکو قبلا تعیین شده بود کنفرانس مزبور در روز چهار شنبه گذشته مطابق با بیست و پنجم آوریل مرکب از نمایندگان تمام ملل متفق و کلیه کشور هائیکه بدولت آلمان یا بژاپون اعلان جنگ داده اند تشکیل گردید .

بزرگترین رجال سیاسی جهان در این کنفرانس بزرگ بین المللی شرکت کرده اند از لحاظ عظمت و مطالبی که بر دیگران تحمیل نمایند موقع آنست که ملت ایران که سر نوشتش دست خوش لغراض خائنانه چندتن نماینده ناصالح قرار گرفته است مواظب و مراقب اوضاع بوده و در صورت لزوم همانطوریکه شایسته یک ملت بیدار و زنده است برای نجات این کشتی شکسته از هیچگونه فداکاری و جانپنازی دریغ ندارند

در آخرین ساعت شوری دو بران به پیش رفتن می نامل شده تا سر شهر جاورقه نه آری بکنند هر روز خانه است گذشته نزدیک است به بیروهای شوری به پیوندند . آری یکبار در ۵ کیلومتری مونیخ مستند - بعد از ظهر در وزارت امور خارجه در در ایتالیا شمالی مردم راهبیه دولت آلمان قیام نموده و ملک بر میبست پرستان ایتالیائی و آلمانی را گرفته است روز ۴ شنبه وزیر خارجه آمریکا کفر اس سافر سیکو را افتتاح کرد و بعد نرومن و موواف و این طاق مانی ابراد کردند .

ترومن و اسپاک وزیر خارجه بایک تذکره دادند که باید سعی شود این کنفرانس با موفقیت پایان پذیرد هیئت تحریریه اداره میشود



هلن استاودا ترجمه: جهانگیر افکاری

لنین و فرهنگ

درباره لنین و فرهنگ مطالبات فرا می شده ، و با دداشته و مقالات کوتاه که بر اسناد بی شمار مبنی بوده ، در این زمینه نشر یافته است . من میخوانم در این مقاله نکات چندی را بخواننده کوشش کنم جهت مسئله افکار لنین را نسبت باین موضوع مشخص میکند در روانه ، برای مؤسس کبیر حکومت شوروی آشنائی بپیران فعالیت و موفقیتی ملت شوروی بود .

لنین حساب میکرد که برای بنا نهادن پایه فرهنگ اوین ، تحلیل و انتقاد و ابایستی از پیدو تمدن گذشته شروع کرد و طبقه جوان ندا میداد که : «میدان معرفت گرا بیهای آن فرهنگ را پیدا کنید که چکیده آخرین تکامل و تمالی بشری باشد » فرهنگی که در حکومت شوروی نشوده نموده میاید عبارت است از : « کمال منطقی جمله علمی که بشر کرد آورده است . . . »

ملت شوروی ناگزیر بود نخست عقب ماندگی فرهنگی خود را جبران کند . از این رو لنین توجه شایانی بسئله سواد مبدول میداشت و چنانکه همه اطلاع دارند ، باصف مخالف سپارزه برداشت و در نتیجه همین مبارزه کشور مجال یافت در قلمرو اقتصاد و فرهنگ آغاز پیشرفت کند

« آنجا باید رسید که علم خواندن و نوشتن بیلا رقتن ساح فرهنگ کومک کرده برای بکنند دهقان هم میسر باشد بوسیله این علم بپیران برداشت گشت خود و کشور خویش بیافزاید . »

آبا توسعه سریع فرهنگ برای چنین حکومتی امکان پذیر بود ، لنین باین پرسش جواب مثبت میداد : « توده های مردم هیچ جای دنیا ، بسا کشور ما بداشتن فرهنگ حقیقی راغب نیستند ؛ مسائلی که این فرهنگ را محمود نوائی بحث و انتقاد مسائل اقتصادی مکتب لوزان یا اقتصاد ریاضی

فیزیک جدید و جبر علم

قیه از ص ۹

نظریه ذره‌ای اولیه نور ساده‌ترین خاصیت آن یعنی انتشار آن در امتداد خط مستقیم را مد نظر قرار می‌دهد اما پس از مدتی متوجه شدند که این تئوری قادر نیست که بکندم زیادی از پدیده‌های بشری‌تر را از قبیل انحراف تقسیم نماید همین دلیل تئوری فرنل که علاوه بر توضیح انتشار مستقیم پدیده‌های انحراف و تداخل را هم تفسیر میکرد جای آنرا گرفت اما این نظریه هم خالی از اشکال نبود و همین علت تئوری الکترون و مغناطیسی ما کسوتل جانشین آن گردید زیرا این نظریه اخیر هم آنچه را که تئوری فرنل توضیح می‌داد تشریح مینمود و هم علاوه بر آن ارتباط نزدیک بین نور و پدیده‌های الکتریسته و مغناطیس را نشان میداد این نظریه با موفقیت‌های زیادی فرین بوده است در اینجا کافی است که آزمایش‌های هرتس را راجع با امواج الکترون و مغناطیسی یادآوری کنیم اما هنگامیکه کاوشهای تجربی ما را بررسی تشعشعاتی که دارای شدت‌های بسیار ضعیف بودند رهبری نمودند این نظریه هم با اشکالاتی مواجه گردید در یک چنین موقعی تئوری کوانتیک نور پدیدار میگردد و این وظیفه را بهمه میگیرد که آنچه را تئوری ما کسوتل کاملا توضیح میداد بیان نموده علاوه بر آن پدیده‌های جدید «کوانتیک» را نیز روشن سازد پس واضح است که اگر در این مورد بی‌روا از ذرات نورانی یعنی فوتون‌ها سخن میرانیم نباید تصور شود که ما صاف و ساده بسوی نظریه نیوتون بازگشت نموده ایم: تئوری الکترون و مغناطیسی از آن حدود تجاوز نموده و فوتون‌ها بین نظریه اخیر بستگی دارد علاوه ما هم اکنون میدانیم که این تئوری کوانتیک نیز موقعیکه تعداد تماشای نور خیلی زیاد باشد با شکالات برمیخورد اما نظریاتی که باید جانشین تئوری کنونی بشوند هنوز قابل پیش‌بینی نیستند.

ولی این موضوع محقق است که ما هر روز بهتر از روز پیش بخصوص نور پی برده ایم فقط همین موضوع را یاد آور شویم که هنوز مدت زیادی نیست که ما توانسته ایم موضوع تبدیل نور را بماده و ماده را بنور بشود رسانیم همین جهت شایسته طرز تفکر علمی و جنبش آن نیست که از این تحولات تئوریک برای انکار امکان شناسائی و پی بردن بحقایق سوء استفاده کنند.

بعلاوه باید متذکر بود که در نظریه ذره‌ای هم مانند نظریه موجی شخص در برابر انواع مختلف جبری قرار میگردد بدین طریق اصول جبری نور موجی که مجموعا شکل و صورت تداخل و انحراف را مورد توجه قرار میدهد کاملا با اصول جبری نور هندسی که جنبش هر یک از ذرات مادی را بطور جداگانه (پرتو نورانی) در نظر میگردد خیلی تفاوت دارد تنها همین موضوع بهمانات میکند که در عرصه موجی نور اصول جبری همان صورت اصل جبری مکانیک لاپلاس را دارا نیست و چنانچه بعدا خواهیم دید این موضوع برای ماده بشود می‌رسد

همانطوریکه دیدیم کاوش و تجسس یک تئوری آتم که با مجموع قضایای شناخته شده تطبیق کند منجر بمکانیک کوانتیک گردیده است همین اندیشه‌ها لوی دو بروی را وادار کرده اند که مکانیک موجی را در نتیجه مربوط ساختن امواج با ذرات مختلف (لکترونها، پروتونها و غیره) بوجود آورد همانطوریکه در نور هم مجبور شده اند که ذرات را با امواج بهم ربط دهند سپس رابطه پلانک را که ما در بالا از آن صحبت کردیم بین انرژی و عده ارتعاشات موج از طریق کامل غیر از آنچه ما برای نور پذیرفتیم برای استنباط عده ارتعاشات موج انرژی ذره بکار برد فکری که در نتیجه تئوری نشی محدود تکامل یافته است فوراً در اثر تجربیات دایسون و ژرمن و نیز ژ. پ. تومسون که شکل مسوچی ماده را با وجود اختلاف ظاهری آن با شکل ذره‌ای «کلاسیک» پدیدار می‌سازند تأیید میگردد پس ما خود را در برابر یک شکل دوگانه نور و ماده می‌بینیم.

در بعضی اوقات موجی و در بعض دیگر ذره‌ای رابطه بین این دو شکل را در یک نظریه احصائیه‌ای جستجو کرده اند از این نظر موج چه در مورد نور و چه در مورد ماده احتمال وجود ذرات (فوتون‌ها برای نور، الکترونها، پروتونها، نوترونها و غیره برای

ماده) طرزی که ذرات روی یک صفحه عکاسی بین رشته‌های مختلف تداخل یا انحراف تقسیم میشوند و نیز طرزی که همین ذرات در زمان و مکان بین حالات جداگانه مختلف ممکن توزیع میگردد تعیین مینماید اما این نظریه احصائیه‌ای کاملا با نظریه ذره‌ای سابق یعنی نظریه مکانیکی متضاد است بقسمی که در دوازده سال پیش هاینزبرگ نتوانسته است این وضعیت را بنام «اصل عدم اجبار» بنامد و بنظر من این اصطلاح را بقدری نابجا استعمال کرده است که موجب تفسیرات نادرستی شده اند من میخواهم تا اندازه‌ای این «اصل عدم اجبار» را در اینجا روشن نمایم این اصل متکی بوجود شکل ذره‌ای و شکل موجی در کنار یکدیگر می‌باشد میدانیم که اگر از نظر ذره‌ای ما یک جزء کوچک را بوسیله مختصات آن مثلا q نمایش می‌دهیم دینامیک باین مختص یک متغیر مزدوج آن یعنی مقدار جنبش مربوط به آنرا که با p نمایش داده میشود اضافه میکند در نظریه کلاسیک قبول می‌کنند که مختص را میتوان در هر لحظه با هر دقتی که بخواهند تعیین نمایند و خدای همکنه ممکن است بی نهایت کوچک گردد و نیز از این نظریه چنین برمی‌آید که در هر لحظه ما می‌توانیم سرعت و بالتیجه مقدار حرکت را با دقت نامحدودی معین سازیم خط dp و dq مربوط بمقدار حرکت و مختص آنرا مستقل از یکدیگر منظور داشته و تصور میکنند که حاصل ضرب آن می‌تواند هر قدر که ما بخواهیم کوچک بشود بالعکس «اصل عدم اجبار» میگوید که در یک لحظه نمی‌توان در عین حال q و p را بایک دقت نامحدود تعیین کرد و غیر ممکن است که حاصل ضرب $dpdq$ در هیچ حالتی کمتر از ثابت پلانک باشد مثلا بینیم در یک حالت ساده این «اصل عدم اجبار» چگونه خود نمائی می‌کند.

فرض کنیم که ما دارای یک اشعه الکترونی باشیم که سرعت آن از حیث کمیت و جهت کاملا معلوم و مثلا افقی باشد در اصطلاح مکانیک موجی معنی این مسئله اینست که یک موج الکترونی مسطح با عده ارتعاشات و با طول موج کاملا معین در این امتداد منتشر میشود یک الکترون متعلق باین دسته اشعه ممکن است در هر نقطه از سطحی که بوسیله این دسته اشعه اشغال شده است قرار گیرد مختص قائم آن یعنی q را در نظر بگیریم وضعیت الکترون ما نامعین است پس dq خیلی بزرگ است اگر ما بخواهیم دقت این وضعیت را در جهت قائم افرون سازیم دو نتیجه احتیاج می‌کنیم طوری یکدیگر نزدیک نمائیم که یک شکاف افقی عمود بر امتداد انتشار و آنها را ایجاد شود هر چه این شکاف باریکتر باشد دقت حاصله در مورد وضعیت لکترون در امتداد قائم بیشتر خواهد بود یعنی خطای dq نسبت بوضعیت مساوی با پهنای شکاف است.

اما اگر الکترونها و موجی را که با آنها مربوط است مجبور کنیم که از یک شکاف باریک عبور کنند موج منحرف میشود (کاملا مثل یک موج نورانی) در خارج از شکاف الکترونها درای سرعت هائی در جهات مختلف هستند (و حال آنکه همه آنها با یک شاکف موازی بودند) درجه انحراف α بر طبق قوانین انحراف بوسیله نسبت طول موج الکترونی λ به پهنای شکاف dq تعیین میشود هر چه طول موج زیادتر و شکاف باریکتر باشد انحراف بیشتر خواهد بود یعنی مقدار جنبش افقی قبل از عبور از شکاف معمولا پس از عبور جهت دیگری اتخاذ میکند در امتداد قائم نزدیک نسبت بمقدار حرکت مساوی است با منتهجه مقدار حرکت در این امتداد که باندازه زاویه α منحرف شده باشد چون مقدار حرکت بر حسب رابطه اساسی لوی دو بروی $\frac{h}{\lambda} = \frac{h}{dq} \times \frac{1}{\lambda}$ خطای dp مساوی است با $dp = \frac{h}{\lambda} \times \alpha = \frac{h}{dq} \times \frac{1}{\lambda} \times \alpha$ و از آنجا

این همان رابطه تردیدست که هاینزبرگ از قضایای تجربی انحراف امواج الکترونی بدست آورده است. اگر بخواهیم وضعیت یک الکترون را بوسیله اسبابی شبیه یک میکروسکوپ یعنی همان میکروسکوپ معروف هاینزبرگ با حد اعلا دقت معلوم کنیم باز بهمان رابطه برمیخوریم ما نور را روی الکترون می‌فرستیم الکترون آنرا در جهت پیشنده باز می‌گرداند و قطعه‌ای که در آن روی چشمی میکروسکوپ لکه نورانی ایجاد می‌شود وضعیت الکترون در آن لحظه معین می‌نماید هر چه لکه کوچکتر باشد وضعیت را بهتر می‌توان شناخت اما ابعاد این لکه نورانی همواره نظر به پدیده‌های انحراف بوسیله طول موج نور استعمال شده معین می‌شوند اگر بخواهیم با دقت زیاد وضعیت الکترون را معلوم کنیم باید ابعاد لکه را بعد اقل

تنزل دهیم و برای این منظور نوری استعمال نمائیم که طول موج ممکن است ضعیف‌تر باشد اما آنوقت قانون کوانتا بما میگردد انرژی این تشعشع بسیار زیاد خواهد بود هنگامیکه این نور با ما برمیخورد آنرا بشدت عقب میزند و هر چه طول موج کوچکتر باشد این عقب‌زدگی شدیدتر خواهد بود اگر ما بخواهیم با دقت وضعیت الکترون را بدانیم سرعت آن در نتیجه همان عقب‌زدگی باشکال معلوم می‌شود بالعکس اگر بخواهیم با دقت زیاد سرعت الکترون را معین کنیم کافی است که آنرا بانوری که طول موج آن خیلی زیادتر از طول موج الکترون باشد تابانیم که الکترون در آن ایجاد می‌کند بسبب دوپلر) اما در اینصورت لکه انحراف خیلی بزرگ خواهد بود و الکترون بخوبی مشخص نخواهد بود و همیشه مثل سابق $h = dq$ است.

همین موضوع را برای اعلام و روشنگری اصول جبری مدبر داده اند و تأیید کرده اند که جنبش ذرات مختلف جبری نسبت از روی تجربه نمی‌توان در یک لحظه وضعیت و سرعت یک ذره غیر از تعیین نمود مثل این می‌ماند که اظهار شود فقط یک چهر ممکن است که آنهم جبر لاپلاس است و چون آنهم در عرصه جدید مطالعه عهده تفسیر بر نیامده و عاجز می‌ماند پس اصولا جبری در کار نیست ما دیدیم که شکل موجی نور ما را در برابر جبری غیر از جبر قرار میداد: کافی است که در اینجا بکوششهای زیادی که در گذشته برای «توضیح مکانیکی» تئوری ما کسوتل بعمل می‌آمده اشاره‌ای بکنیم.

چون جبر لاپلاس بتحقیق نبوده بود کسانی پیدا شدند که اختیار نام «الکترونها» از «انتخاب آزاد»ی که طبیعت در مقابل بکار می‌برد سخن می‌راندند الکترون یکقدر بشری تشبیه شدند این تفسیرات آتقدر پیشرفته بودند که به ادینگتون اجازه دادند کتاب خود بنام طبیعت دنیای محسوس بنویسد: «شاید امروز نتایج و دلالتی که از علم جدید حاصل شده اند بتوان گفت که از ۱۹۲۷ برای یک فکر علمی منطقی پذیرفتنی شده است... اگر پیشگامان تأیید شود که ۱۹۲۷ سالی باشد که هاینزبرگ بور بورن و سایرین اصول و مولولی را بطور قطع از صفحه علم رانده اند یقینا این سال بزرگترین مراحل تکامل فکر علمی بوده است» یک کتاب تازه (فیزیک قرن بیستم ۱۹۳۸) بر از فورمولهای قطعی است «ورزش ماتریالیسم» امکان‌های مثبت کاملا تازه برای اینکه فضای حیاتی مومن مذهبی را بدون تضاد با فکر علمی نامین کنند «اثر واقعیت و هگذا

باز پیشنهاد کرده‌اند - بردان بخصوص در این مورد خیلی اصرار داده است - که از این «اصل» وسیله‌ای برای حل بعضی مشکلات با مقیاس دیگر استنباط گردد.

ما در ا طرف خود ماده‌ای بنام ماده مرده و ماده دیگری را زنده ملاحظه می‌کنیم که اولی تابع قوانین فیزیکوشیمی و دومی در شرایط قوانین بیولوژی می‌باشد در این شرایط اساس اختلاف بین دو نوع واقعیت را اینطور توضیح می‌دهد: فیزیکوشیمی فقط با دستگاههای و کار دارد که در آن احصائیه (نظر بزادی تعداد ذرات) فوراً محدود کردن آزادی الکترونی مداخله می‌کند و حال سازمان موجودات زنده با اصطلاح دارای خاصیت بزرگ کردن «آزاد» بعضی الکترونهاست: بدن قسم در سلسله اعصاب مرکز مناطق مرجعی وجود دارند که در آنها الکترونها مخصوصا دائم انتخاب آزاد خوش را انجام میدهند و زندگی غیر از تنگ تومسه بخش این انتخاب چیز دیگری نیست.

حال سعی کنیم که قدری بهتر در حقیقت موضوع دقیق موقعی که ما بمو شکافی در عرصه آتمی پرداختیم خیلی چیزهای برای ما مکشوف گردیدند: الکترونها، فوتونها، هسته‌ها، ما که نظریات معمولی مکانیک و الکترومغناطیس «کلاسیک» را مورد هم بکار بندیم. جدیت نمودیم که تعریف جنبش مکانیکی جبر مکانیکی لاپلاس را در اینجا هم استعمال کنیم و در مورد الکترون مانند سایر ذرات کوچک بیکنوع کسیراپولاسیون برخورداریم اشیاء را بعد اعلا خردی در نظر ما جلوه گر می‌ساخت آنگاه که ما نشان می‌دهد که غیر ممکن است که در عین حال وضعیت و مکانیک یک ذره را برای پیش بینی جنبش بعدی آن با دقت شناخت و ما فوراً بقیه در شماره

پیداایش و تکامل سندیکاها

مهندس زاوش

مقاله‌ایکه در تحت عنوان فوق در روزنامه مردم منتشر میشود یک رشته اطلاعات است که از منابع فرانسوی و انگلیسی راجع بچگونگی پیدایش سندیکا و توسعه آن در کشورهای انگلستان - فرانسه - بزرگ و سایر کشورهای اروپا اقباس شده و در دسترس خراتندگان قرار میگردد بیشتر این اطلاعات از نشریات دقتربین المللی کار اخذ شده است.

پیداایش و تکامل سندیکاها

برای اینکه بهتر به تکامل سندیکاها توجه داشته باشیم باید به تاریخ آن در کشور انگلستان برگردیم. سندیکاها در سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ فواینی وضع گردید که می‌توان آنها را اولین قوانین مربوط بکار دانست. بموجب این قوانین اولاً هر کس موظف بود بامزدی که در سال ۱۳۴۷ (قبل از شروع طاعون) معمول بوده است کار کند و ثانیا اگر اربابی بیش از مزد معمول پرداخت کند بتادیه غرامت محکوم شود.

با وجود اجرای این قوانین در قرون ۱۵ و ۱۶ منظور قانون گذاران علمی نگردید و نتوانستند سطح دستمزد را کمتر از حد معینی نکاهند. شورش زحمتکش و دهقانها در سال ۱۳۸۱ دولت را وادار نمود که از اجرای قانون سال ۱۳۴۷ صرف نظر کند و بهین واسطه در سال ۱۳۸۸ به معاکم معالی اجازه داده شد که میزان دستمزد عادلانه برای کارگران کشاورز تعیین کنند.

اقداماتی که از طرف اربابها از اواخر قرون وسطی برای تثبیت میزان دستمزد و قیمتها بعمل آمد با ائتلاف هائیکه از طرف تولید کنندگان بنظیر بالا بردن قیمتها و صنعتگران و مزدوران بنظیر زیاد کردن دستمزد بعمل می‌آمد برخورد نموده و نتیجه از آنها گرفته نمیشد و بهین مناسبت دولت برای جلوگیری از این ائتلافها قوانینی وضع نمود.

مثلا بموجب قانون ۱۵۵۲-۱۵۵۱ احتکار کدیم - شراب - ماهی - کره - پنیر - شمع - چرم - کوفته - کلاه - خوک - غاز - تخم مرغ - کبوتر - خرگوش - قهقن شده بود و همینطور قانون سال ۱۵۴۹ از زیاد شدن دستمزد و کران شدن قیمتها جلوگیری می‌نمود. بموجب قانونی که در سال ۱۳۶۰ تصویب مجلس انگلستان رسید ائتلاف و اجتماع بناها و کارگران ساختمانی و خرابا کوها ممنوع گردید. علاوه بموجب قوانین دیگری که در این زمینه وضع گردید ائتلاف کارگران ساختمانی و کشاورزی قهقن گردید.

قانونی که در سال ۱۴۲۵ تصویب رسید از تشکیل جلسه سالیانه بناها بنظیر اعتراض بقوانین مربوط بکار جلوگیری نمود.

بالاخره در سال ۱۵۴۹ قانونی وضع گردید که هر گونه اجتماع کارگران بنظیر ازدیاد دستمزد و تثبیت شرایط کار و غیره را دشمن نمود. بطوریکه می‌بینیم در این دوره که از سال ۱۳۴۹ شروع و بسال ۱۵۶۲ ختم میگردد کلاه قوانینی که در موضوع کار وضع شده است علاوه بر اینکه منافع طبقه زحمتکش را به هیچوجه تأمین نکرده اند جدا از تشکیل جمعیتها و ائتلاف کارگران و دهقانان جلوگیری کرده اند.

بقیه در شماره

تزلز دهم و برای این منظور توری استعمال نمائیم که طول موج ممکن است ضعیفتر باشد اما آنوقت قانون کوانتا بما میگردد...

همین موضوع را برای اعلام و روشنگری اصول جبری مدرک داده اند و نایب کرده اند که جنبش ذرات مختلف جبری نیست...

چون جبر لایلاس بتحقیق پیوسته بود کسانی پیدا شدند که اختیار نام «الکترونها» از «انتخاب آزاد»ی که طبیعت در مواقع بکار می برد سخن می رانند...

با مقیاس دیگر استنباط گردد. ما در اطرف خود مادمای بنام ماده مرده و ماده دیگری...

زنده ملاحظه می کنیم که اولی تابع قوانین فیزیکوشیمی و دومین تابع قوانین بیولوژی می باشد در این شرایط اساس اختلاف بین دو نوع واقعیت را اینطور توضیح می دهد: فیزیکوشیمی فقط با دستگاههایی...

توسعه بخش این انتخاب چیز دیگری نیست. حال سعی کنیم که قدری بهتر در حقیقت موضوع دقیق موقعی که ما بمو شکائی در عرصه آتمی پرداختیم چیزی های برای ما مکشوف گردیدند: الکترونها، فوتونها، هسته ها...

پیدایش و تکامل سندیکاها

مهندس زاوش

مقاله ای که در تحت عنوان فوق در روزنامه مردم منتشر میشود یک رشته اطلاعاتیست که از منابع فرانسوی و انگلیسی راجع بچگونگی پیدایش سندیکا و توسعه آن در کشورهای انگلستان-فرانسه-بزرگ و سایر کشورهای اروپا اقتباس شده و در دسترس خوانندگان قرار میگردد...

پیدایش و تکامل سندیکاها در انگلستان

برای اینکه بهتر به تکامل سندیکاها در انگلستان پی ببریم باید در کشور انگلستان پی ببریم. قریباً مئضری راجع بحول و مقررات انجمن مربوطه تشکیل جمعیتها در این توری بر ذم و سپس در خصوص توسعه سندیکاها صحبت خواهیم نمود...

با وجود اجرای این قوانین در قرون ۱۵ و ۱۶ منظور قانون گذاران اصلی نگردید و نتوانستند سطح دستمزد را کمتر از حد معینی نگاهدارند. شورش زحمتکشان و دهقانان در سال ۱۳۸۱ دولت را وادار نمود که از اجرای قانون سال ۱۳۴۹ سرکنتر کند و همین واسطه در سال ۱۳۸۸ به معاکم معنی اجازه داده شد که بزبان دستمزد عادل برای کارگران کشاورز تعیین کنند...

مثلاً بموجب قانون ۱۵۵۲-۱۵۵۱ احتکار کتیم - شراب - ماهی - کره - پنیر - شمع - چربی - گوشت - گاو - خوک - غاز - تخم مرغ - کبوتر - خرگوش - قهقش - مرغ - و غیره ممنوع گردید. علاوه بر این قوانین دیگری که در این زمینه وضع گردید. ائتلاف کارگران ساختمانی و کشاورزی قدغن گردید.

در قرن چهاردهم تغییرات زیادی در انگلستان وجود آمد که در نتیجه تغییر اوضاع اقتصادی آن کشور بود. مهمترین این تغییرات توسعه تجارت آزاد و منصرف سرفه و تلفات مایهون است. هماطوریکه در بالا...

پیشگوئی گول

بقیه از صفحه ۳ که از خدای خود استغفار کنی خود را حاضر کن! تیر باران! پس از چهار دقیقه!

«من شش طفل و یک زن بیوه بدبخت دارم - اینطور می گویم - چون دیگر باید بیروم و از چشم شما استیاض میکنم که شما که از درندگان هم بدترید - بلی بدتر - چون درنگ نکن هیچوقت باره نمی کنید - اما پیشیند چون راستی نمی فهم چه می گویم شاید یکی از شما پدر باشید! در شما هیچ کس نیست که پدر باشد! قدر نا لایم است که تمام طول زمستان بچه های آدم از کرسنکی نزدیک مرک باشند! آبا می دانید چقدر برای مادری سخت است که جگر گوشه های خود را در حال زرع ببیند که کزیه کنان می گوید کرسنم - سر دم است! من که نمی خواهم بعد از آنها زنده باشم زیرا زنده گی برای من چه سودی دارد! فقط زنجیری است از افتاد و محرومیت از همه چیز زندگی. اما من باید برای خاطر فرزندانم زنده - آه جگر گوشه های من دلستانم من!

«پدر از غات اشتیاق خود را زمین میکشید روی خود را به زدن مینمودی چه صورتی! خیلی شبیه صورت یکی از آن مقدسینی که مطابق روایات مزد امپراطور در پیش پلنگان انداخت - دزدان هبجانی دوسینه خود حس کردند - بسببای یکدیگر نگاه کردند و چون دیدند که همه هم عقیده هستند یکی چسارتن نشان داد و گفت -

فرمانده سکل با اشتیاقی زانده الو. ف پرسید «چه گفت» گفت این کاری که ما حالا میکنم است انجام دهم بایستی هرگز یادون ارشد «دیگران زیر لب گفتند هرگز هرگز» دیگری با صدای گرفته از گریه گفت داداش راهت را بگیر برو - منم باو اشاره کردم که زود برود زود، قدم زد، این را گفتند و روی خود را بر کردارند خوسه چن دست خود را شرح گنان برای تشکر بالا کرده برد.

یکی از دزدان با صدای آهسته گفت رضای شعی یا بوات راهم میخواهی برو برو حوصله ماراهم سر، نبر «پدر بی چاره گریه کنان دور شد و بزودی از نظر پنهان کردید» شاید نیم ساعتی می شد که دزدان با یکدیگر هم قسم می شدند و بدترین دشمنیها را بکسی که خبر را باارون برساند - حواله میکردند تا کجانب سروکه پارون آشکار شد و مرد خوسه چن را همراه در پهلوی مادبان خود میاورد.

دزدان از شکفت خود را باخندند پارون پزاده شد و با فراغت تمام تفنگ کوتاه خود را از شان بیرون آورده و اوله آرا طرف دوستان خود گرفت گفت آدمهای احق نمیدانم چرا شما را تا حال هدف قرار نداده ام فوری بیست دوروی که از دست این مرد گرفته اید باو برگردانید دزدان فوری پلورا بیرون آوردند و بخوسه چن دادند - اوهم خود را برای رئیس خوش قلب دزدان انداخت

پارون گفت بیلال خدا که بی رهنمایی تو هرگز با اینجابهام بر دم پس فهمیدی که سوء ظن تو بین میبرد بود و آنچه را که بنوع وعده دادم به آنها رسانیدم - و اینکه صاحب بیست دوروی خودت شدی دیگر برو «خوسه چن او را بدفنامت بوسید و با بشاشت تمام براه افتاده هنوز بنجاه قدم رفته بود که دوست جوان مردش او را صدا کرد و مرد بدبخت شروع کرد بدویدن تا بیکان اول بار کرد. میبرد پرسید چه فرمایشی داری؟ از حالتش معلوم بود که اشتیاقی دارد تا لانگی خوبی ایکه بخاوانده او شد پدر آورد «نه من او را میشناسم اشتباه میکنی من خودم «خوسه چن سرا سیمه و وحشت زده ایستاده بود پارون تفنگش را بگونه اش نزدیک کرد و مرد در لوله را آتش نمود و خوسه چن بر زمین غلطید.

مدتها جمله اینکه ازدهاش خارج شد این بود خدا امتنت کند در ضمن وحشتی که مرا کور کرد بود حس کردم که درختی که بن بسته شده ام دور کشته ام - فهمیدم که بند های من شل شده است یکی از کوله هائیکه آن خوسه چن بدبخت رازخی کرده بود به طناب من خورده و آرا بریده بود. آزادی خود را مغفی کردم و منتظر فرصت مناسب شدم. در ضمن پارون بهم دستن خود در حالیکه خوسه چن را نشان میداد گفت حالا میتوانید او را لغت کنید.

ای دسته احق ها و کله خرها! این بخش را آزاد کردید تا به اینطور برود و میاید از خوشبختانه من باور سیمه و رضیه داد و یا فتم اگر یک سرباز بر میخورد همین عملی که الان کرد مینود آنها را با اینجا راهنمایی میکرد اینک ماهمه در زندان بودیم حالا نتیجه چاییدن و نکشتن را فهمیدید - موعظه دیگر کفائی است - حالا قبل از اینت که جسد فاسد خود او را بشک بسپرید.

در حالیکه دزدان مشغول کندن قیروند پارون هم بدبختش بین بود و نه بار میخورد بواش بواش از درخت دور شد و خود را در چاله ای نزدیک برتاب کرد چون دیگر شب فرا رسیده بود در تاریکی با عجله تمام باه فرار گذاشتم در هنگام تاریکی روشن الاغ خود را بدبخت نارونی بسته دادم که مشغول چال است سوارش شدم و لحظه ای نایستادم تا بایست جا رسیدم از جناب نواب استمد دارم که هزار ریال را بمن دهید تا شما را بمحل پارون رهبری کنم چون اوسر درویشم هم از من گرفته»

کولی چون نشانی های لازم را داد بول موعود را گرفت سر لشکر را با یک نفر دیگری که حاضر بود و این حکایت را از او شنیده ام تنها گذاشت - حالا باید دید که پیش کولی هرودیا درست بود یا نه

پانزده روز بعد از این قضیه در حدود ساعت ۹ صبح عده زیادی مردم بی کار گرد آمده تماشاچی دو گروهان سربازی که قسمتی در خیابان سان ژوان در دوس و بقیه در خیابان سافلیس در شهر قوق الذکر متوقف بودند و بنا بود تا ایستاد دیگری برای دست گیری پارون و پاداشش که بالاخره کنت

موتنی ژو هم محل آنها را بطور تعقیب پیما کرده بود ایستاده بودند. کتیکاری و هبجان مردم فوق العاده بود و بلاوه خداحافظی سربازان از خانواده و دوستان خود برای رفتن مان سفر جنگی خود آشوبی بر پا کرده بود مخصوصاً پارون که در سراسر خاک قرناطه وحشتی ایجاد کرده بود یکی از سربازان گمت «معلوم است که آمده صف حح هستیم ولی کابالو ایندرا نمی بینم»

«صعب او که همیشه وقتی صحبت از پارون میبمان بود جلوی می افتاد و از تزلزل از پارون متنفر بود» سوبی خود را دخل صحبت نکرد و گفت نمی دانید چه اتفاقی افتاده است! «سلا! این سربازی تازه است از گروهان ما خوشتر میاید» مردی که از او این سوال شده بود بارنگی بریده و اندامی زیبا که با او نقرم پوشیده شده بود گفت راستی خیلی خوب است اولی از آزاد پرسید خوب تو چه می خواهی بگویی! «سرباز رنگ بریده گفت آبی راستی! کابولو پر کشته شده «مانوئل چه میکنی می توانی من خودم او را همین صبح همینجور که ترا در مقابل خود می بینم دهم»

مانوئل با خونسردی گفت پارون نیم ساعت پیش او را کشت پارون که! «در همین محل قرناطه جسد او میوزرادر تپه سک پیدا کردند» همه ساکت شدند جز مانوئل که شروع کرد باسوت یکی از اوهای ملای را بنوازد

یکی از گروهانان گمت در عرض شش روز یازده سرباز - سلامتی پس آخرت شناخته اند - پس پارون آهنگ تمام کردت مارا دارد اما بطور او در داخل قرناطه شده است! پس چرا برای دست گیری او بکوه لوبنا میروید! «مانوئل سوت زدن را قطع کرد و با خونسردی گفت پیرزنی که او را در حال عمل دیده بود میگفت حالا که او بر کشته را کشته دره بین حوالی هم ممکن است سمات دیدار او را داشته باشیم»

«چه با ما این دیگر دیوانگی نیست که آدم از پارون با این تعقیر صحبت کند» «مانوئل شاهه خود را بالا انداخته گفت خوب پارون هم آدمی است مثل ما در همین لحظه فرمان داده شد بجای خود دو گروهان ایستادند و حاضر وغایب شروع شد اتفاقاً در همین لحظه هرودیا از مقابل صف می گذشت و مانند سایر رهگذران مشغول بنظاره قیافه سربازان بایستاد

مثل این که مانوئل که همان سرباز جدید باشد مضطرب شد و خواست تا خود را در پشت پهلوی دستبش پنهان نماید که هرودیا او را بدید و فریادی کشید - که کولی ماری را زیر پا کنارده از جای پریده خیابان سان پارونیمو با شرفار گذاشت

مانوئل تفنگ خود را بلند نمود کولی راهد فرار داد ولی یکی از سربازان با چالاکلی زدن بر تفنگ و کوله در هوا منفجر گشت همه تماشاچیان بنوبت فریاد کردند دیوانه است! مانوئل دیوانه شده و اسرانه و گروهانان و تماشاچیان بر سر او ریختند و اوهم تلامبگرد که خود را خلاص کرده فرار کند چون وی را ساکت کردند و پرسشهای مختلف از او نمودن و باوتوهون و سرزنش کردند و بهیچ یک پاسخی نداده در ایت ضمن هرودیا هم بوسیله رهگذران گرفتار شده بود زیرا مردم او را در حال دودیدن و صدای تفنگ را نیز شنیده خیال کردند که وی آدم کش است.

کولی کنت مرا بعضور فرمانده کل برید من باید با کنت ماتر ژر ملاقات کنم. دست گیر کنندگان پرسیدند «راستی - کنت ماتر ژو کی را کشتی؟ تکمیلان دارد میاید و این ها را می دانند با توجه باید بکنند» هرود یا گفت «منهم همین را می گویم ولی فقط مواظب باشید که پارون مرانکشد»

«منصودت از پارون گیسیت! مردیکه چه میکنی» «بیاید او را خواهد دید - در حالی که اینرا میگفت از آنها خواش کرد که او را نزد فرمانده دسته ببرند و مانوئل را باو نشان داد و گفت فرمان ده این پارون است و کولی ای هستم دوهفته پیش مکان او را کنت ماتر ژر نشان دارم»

«چهارم هستم» «این تنها کسی است که جانش را بخشیدم اینک سرازور این فرجام هستم» «و باین طریق هفته بعد پارون اعدام شد و پیش کولی کولی درست در آمد»

بزرودی فلسفه و تاریخ منتشر خواهد شد چاپخانه توده ایران

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

مساحت ۸۶ هزار کیلو متر مربع
نفس ۲۲۱۰۰۰
پایتخت باکو

این جمهوری در سمت شرقی ماوراءقفاز در مرز شوروی و ایران قرار دارد. مساحت آن ۸۶ هزار کیلومتر مربع است. این کشور در شرق با ایران، در جنوب با عراق، در غرب با ارمنستان و در شمال با جمهوری آذربایجان همسایه است. این کشور در سال ۱۹۲۰ میلادی تشکیل شد و در سال ۱۹۳۶ به عضویت اتحاد جماهیر شوروی درآمد. این کشور دارای منابع طبیعی فراوانی است که از جمله آنها نفت، گاز، آهن، مس، سرب، روی و فلزات گرانبهادر می‌باشد. این کشور در سال ۱۹۲۰ میلادی تشکیل شد و در سال ۱۹۳۶ به عضویت اتحاد جماهیر شوروی درآمد. این کشور دارای منابع طبیعی فراوانی است که از جمله آنها نفت، گاز، آهن، مس، سرب، روی و فلزات گرانبهادر می‌باشد.

زانت آذربایجانی زندگی گوشه گیرانه و بر سر گردن چادر مجبور بوده و حتی از ابتدای ترین تحصیلات محرومیت داشتند. در سال ۱۹۲۰ مردم آذربایجان جمهوری شوروی خود را برپا کردند و بعدها با پیوستن به سایر جمهوری‌ها اتحاد جماهیر شوروی را بوجود آوردند. این آزادی و استقلال آنها بتوسط اقتصاد ملی و فرهنگ خویش نایل آمدند. آنگاه دشمنی و نفاق بین اقوام گوناگون جای خود را به دوستی و وفاداری داد. این جمهوری از مردم آذربایجانی «تزلزل ناپذیر» است که در هر صد تمام نفوس را تشکیل می‌دهد و بقیه اروپایی و کرد و تات و طالش و روس گرجی هستند.

جمهوری خود مختار نخجوان و ناحیه خود مختار نوکر نووز آباغ و پایتخت استیپا گرات که از منتهی شرق تا جنوب و از منتهی غرب تا شمال مساحت آن ۱۰۰ هزار کیلومتر مربع است. در حکومت شوروی این سرزمین نیکت زده بر از جهالت و مظلوم بکشوری بیدار و هشیار دارای اقتصاد و فرهنگ قوی تبدیل گردید. در ۱۹۳۹ هفتاد و نه درصد نفوس خواندین و نوشتن می‌دانستند. پیش از ۵۰۰ هزار کولک ۱ کتوند، ۳۰ هزار دستان کشور درس می‌خواندند. ۱۹۳۷ ده‌ها کارگردان در استان ۳۵ برابر پیش از جنگ گذشته بوده است.

بنگاه تربیتی و قریب ۱۰۰ هنرستان داراست. قبل از حکومت شوروی فقط ۱۲ نفر مهندس آذربایجانی بود اکنون ۳۴ هزار مهندس وجود دارد. جمهوری آذربایجان می‌تواند با داشتن باصطدیرفوسو و معقق علمی خود بتنازد ۱۰ نگاه علمی وجود دارد که جلگی در صنعت هدایت شعبه آذربایجان آکادمی علوم شوروی کار می‌کنند. هنرهای ملی مردم آذربایجان ترقی شکرانی نموده اکنون در این جمهوری ۱۵ تئاترخانه، یک تئاتر ایروان ملی وجود دارد. آثار نویسندگان کلاسیک آذربایجان مانند نظری آتجوری یکی از نویسندگان نامبردار جهان که هفتاد سال پیش زیست. همچنین زبان و باجهای مختلف نشر گردیده و فولکلر متجرب - آتحت سازمان موسیقی دانان بسیاری ظهور کردند.

در رژیم تزار فقط دو روزنامه زبان ترکی منتشر میشد اکنون این عدد به صد رسیده مردم آذربایجان از همه صاحب ملی واجتماعی و معدودیت های فرهنگی اجابت یافته اند. در حکومت شوروی صنعت نفت با گو اهمیت جهانی یافته حتی پیش از جنگ جهانی. در ماه مه سال ۱۹۴۰ ۲۵۰ میلیون تن بالغ شده است و این مقدار به برابر پیش از جنگ جهانی گذشته است. صنعت نفت توسعه یافته ماشینهای قدیمی تجدید شده است. یک کارخانه ذرک شیمیایی که به‌کارگیری کود معدنی تولید می‌کند ساخته شده کارگاههای عظیم مهندسی برپا گردیده. راه‌های بنه‌ای گسترده و راه‌های آبی همگامی با پیشرفت کارخانه‌های کترو و میوه و گوشت بنه‌ای زیادی در بر گرفته است.

در سال ۱۹۳۷ مجموع محصول صنایع آذربایجان ۴ میلیون و چهار صد هزار روبل بالغ شده است. برای هر مصلوب سال ۱۹۱۳ کشاورزی در این رژیم دست‌فراوان یافته و مساحت مزرعه‌ها اکنون از یک میلیون هکتار در یک‌سوم پهنه‌دار زیاد کال آبیاری ساخته شده که زرگرترین آنها کال ساموردی و بیشی می‌باشد که در هزار و بیست و هفتاد هکتار در این کال ۱۰۷ کیلو متر طول دارد و هشت هزار هکتار زمین را آبیاری می‌کند. این کال بر اثر کوشش دهقانان و کمک فنی و مادی دولت آذربایجان در دومین ناحیه بزرگ بنه‌ای خیز اتحاد شوروی ایجاد گردیده. دامنه‌های کوهسار آن از تا کستانها و باغستانها و مزارع تنباکو و توتستان برای پرورش کرم ابریشم مستور است. در اراضی است لنگران گیاههای مخصوص تحت الاستوائی مانند چای و مرکبات برای نخستین بار کشت شد.

در حال این ناحیه در سرزمینهای که آبیاری شده اردیله بهر

بنامسبت هفتاد و پنجمین سال تولد ولادیمیر ایلچ لنین - ۲۲ آوریل ۱۹۴۵ مطابق دوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ سخن‌نویسندگان و رجال خارجی در باره لنین

لنین توجه مرا بطور خارق‌العاده بخود جلب می‌کنند. در اروپای قرن معاصر من شخصیتی را بزرگی اوسراغ ندارم او را ثابت خود با طینتانی و نیروی ایمان عجیبی در میان موجهای غروشان‌دنیای بصیرت تقوی نموده است و اثر جاودیدان او برای آینده مبدی می‌شود و با یادآوری آن برافراشته در میانت طوفان سهمگینی او کشتی خود را بسوی دنیای نوینی - هدایت نموده است.

لنین بزرگترین مرد کار در زمان حاضر و کتراز هر کسی بشود پسندنی توجه می‌کند. لنین مردیست که در قالب لنین و گرمول آفریده شده است او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است. مردی برانرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ و بسیار ساده. مردی که گاهی تند و همبانی میشد ولی خاق تندو حساس او بزرگ اراده آهنگت و شهامت می‌ماندند تحت کنترل شدید قرار داشت. کسی که هیچ یک از نقاط ضعف و تمام آثار و علامت نبوغ را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بداد و کسی را که صمیمانه می‌پرسیدند این مرد در باره لال ما تا شکرگرمی از خود بیادکار گذاشت.

فلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و تزویر استارتو تمندی همه قلبی نسبت با اکثریت مظلومی رنج میبرد و شدیداً متفرد بود.

رومن رولان در بیان مردمی که در قالب لنین و گرمول آفریده شده است او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است. مردی برانرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ و بسیار ساده. مردی که گاهی تند و همبانی میشد ولی خاق تندو حساس او بزرگ اراده آهنگت و شهامت می‌ماندند تحت کنترل شدید قرار داشت. کسی که هیچ یک از نقاط ضعف و تمام آثار و علامت نبوغ را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بداد و کسی را که صمیمانه می‌پرسیدند این مرد در باره لال ما تا شکرگرمی از خود بیادکار گذاشت.

فلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و تزویر استارتو تمندی همه قلبی نسبت با اکثریت مظلومی رنج میبرد و شدیداً متفرد بود. در بیان مردمی که در قالب لنین و گرمول آفریده شده است او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است. مردی برانرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ و بسیار ساده. مردی که گاهی تند و همبانی میشد ولی خاق تندو حساس او بزرگ اراده آهنگت و شهامت می‌ماندند تحت کنترل شدید قرار داشت. کسی که هیچ یک از نقاط ضعف و تمام آثار و علامت نبوغ را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بداد و کسی را که صمیمانه می‌پرسیدند این مرد در باره لال ما تا شکرگرمی از خود بیادکار گذاشت.

فلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و تزویر استارتو تمندی همه قلبی نسبت با اکثریت مظلومی رنج میبرد و شدیداً متفرد بود. در بیان مردمی که در قالب لنین و گرمول آفریده شده است او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است. مردی برانرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ و بسیار ساده. مردی که گاهی تند و همبانی میشد ولی خاق تندو حساس او بزرگ اراده آهنگت و شهامت می‌ماندند تحت کنترل شدید قرار داشت. کسی که هیچ یک از نقاط ضعف و تمام آثار و علامت نبوغ را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بداد و کسی را که صمیمانه می‌پرسیدند این مرد در باره لال ما تا شکرگرمی از خود بیادکار گذاشت.

فلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و تزویر استارتو تمندی همه قلبی نسبت با اکثریت مظلومی رنج میبرد و شدیداً متفرد بود. در بیان مردمی که در قالب لنین و گرمول آفریده شده است او خیلی ساده خیلی محکم و خیلی بزرگ است. مردی برانرژی دوستدار طبیعت و کودکان خیلی شوخ و بسیار ساده. مردی که گاهی تند و همبانی میشد ولی خاق تندو حساس او بزرگ اراده آهنگت و شهامت می‌ماندند تحت کنترل شدید قرار داشت. کسی که هیچ یک از نقاط ضعف و تمام آثار و علامت نبوغ را در خود داشت کسی که میتوانست دوست بداد و کسی را که صمیمانه می‌پرسیدند این مرد در باره لال ما تا شکرگرمی از خود بیادکار گذاشت.

فلسوفی که رهبر مردم و رهبری که دوستدار توده بود دوستداری که از ظلم و تزویر استارتو تمندی همه قلبی نسبت با اکثریت مظلومی رنج میبرد و شدیداً متفرد بود.

او، شهادت شکست نابیدر او ما را باقی وظایف فردا می‌خواند. در روزی که با او گمانی و دشمنی نمی‌کردیم لنین دیگر در میان نبود... این زندان اسفند که در اوایل ۱۹۲۴ وقوع بیست و نهمین سالگردش است این حادثه برای کسانی که او را تا بابت وقت چنان در محاسن نگه داشتند باور کردنی نبود چطور میشد مرگ کسی را انقلاب روسیه را در وجود خود جسم می‌کند کسی که آنرا در سر خود طرح کرده، بوجود آورده و از خطر رهائش بخشیده بود باور کردنی بود که در آن تاریخ و بدون تردید با اکثرین و صمیمی ترین مردی که پیش از هر کسی تاکنون به بشر خدمت کرده است دنیا نیست... از هفت دقیق نخستینی که شوراها بحکومت رسیدند تا آنکه لنین از کار و زندگی باز ماند او کار لنین را این کامیابی از آنرو میسر شد که لنین از مدت‌ها پیش حزب را بجای خود بخش آینه است باید تا نوجوه بهم او و خاصیت توده‌ای آن و هدف بشری او خود آنرا در نهایت استحکام و دقت آهنگری کرده، بی‌شک و قدرت بی‌روزشندش را بی‌زبری و آرا با سابقین بر بهره‌دهی می‌داد و با وجود عظمت بی‌نظیر لنین اگر گفته شود که لنین توموش نابینا و صبح نیست زیرا سازمان بیروندی که او بوجود آورد پس از مرگ او را دنبال کرد.

مردگان فقط در این دیدادوباره زنده میشوند. هر آنجا که لنین شد آنجا لنین هست ولی در ستالین پیش از دیگران مافکار و آرا را می‌بینیم - ستالین لنین امروزست.

هانری باربوس نمایش دیدنی، جذاب، شیرین و دلپذیر خاله چارلی باشترک بهترین هنریشکان بنفع و بمنظور یومیه شدن روزنامه آزادگان در سالن سینما تاتر فرهنگ واقع در خیابان لاله زار نمایش ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه هشتم اردیبهشت شروع خواهد شد

فراموش نکنید؛ حتماً بیایید و از تماشا این نمایش لذت ببرید ضمن بنشر یک روزنامه کهن سال ملی و آزادیخواه هم کمک کنید دفتر روزنامه آزادگان

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

لنین و فرهنگ

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

بنامسبت بیست و پنجمین سال تشکیل جمهوری شوروی سوسیالیستی آخر بایجان ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

نمایش دیدنی، جذاب، شیرین و دلپذیر خاله چارلی باشترک بهترین هنریشکان بنفع و بمنظور یومیه شدن روزنامه آزادگان در سالن سینما تاتر فرهنگ واقع در خیابان لاله زار نمایش ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه هشتم اردیبهشت شروع خواهد شد

فراموش نکنید؛ حتماً بیایید و از تماشا این نمایش لذت ببرید ضمن بنشر یک روزنامه کهن سال ملی و آزادیخواه هم کمک کنید دفتر روزنامه آزادگان

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

نمایش دیدنی، جذاب، شیرین و دلپذیر خاله چارلی باشترک بهترین هنریشکان بنفع و بمنظور یومیه شدن روزنامه آزادگان در سالن سینما تاتر فرهنگ واقع در خیابان لاله زار نمایش ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه هشتم اردیبهشت شروع خواهد شد

فراموش نکنید؛ حتماً بیایید و از تماشا این نمایش لذت ببرید ضمن بنشر یک روزنامه کهن سال ملی و آزادیخواه هم کمک کنید دفتر روزنامه آزادگان

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

کتاب پنج درس بسیک آمالیز تالیف دانشمند و پزشک بیچاره وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

لنین و فرهنگ

ایستادگان فرهنگ در این کشورها با این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

او، همتا شکست ناپذیر او ما را با باقی وظایف فردا می‌خواند

این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

در این کشورها، فرهنگ را به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت یک ملت به حساب می‌آورند. این عقیده که فرهنگ را می‌تواند به عنوان نیروی محرکه در پیشرفت یک ملت به حساب آید، به شدت متوجه اهمیت آن شده‌اند.

نامه مردم

موسس، با همان چشم‌های آینه بسته مرا سگریته پرسید: «از نویسنده آن روزی که کسی را می‌تواند با او برابر کرد» و ما خود گفتیم «چسب» ن. گروسیکا با یادداشت‌های گریه‌آلودی که در آن روز نوشت، متفکر بزرگ و نویسنده روسی چینی شوکی را در نزد لنین نشان می‌دهد.

رومان چه باید کرد؟ چینی شوکی با شکل ساده و خالی بودن از هنر کامل، برای او بهجت انگیز بود. آن وقتی که او در مطالعه رمان صرف میکرد، من در شکست هده بودم که چه نکته باریکی در آن یافته است. از طرفی، به خود چینی شوکی اهمیت میداد، در آلبوم - بیبری خود دو عکس از این نویسنده داشت، که ایلچ روی یکی از آنها تاریخ تولد و مرگ صاحبش را نوشته بود.

لنین به هرگز توجه خاصی داشت در مقاله ای که «باید هرگز نکاشته» این چندسطر را از قول هرزن خطاب به لنین در ۱۸۲۵ که بر علیه نیکولای اول نوشته بود. «نقل بیکند:» اینها خواجه‌های دلاوری و اوست، که سر با غرق پولاد گشته، جنگجویان شبردلی بودند که از دل و جانت، مرگ حتمی را پیشانی میکردند، تا مگر اسل جوان را برای زندگی نوین آماده سازند، و کودکی را که در دامان بیداد بردگی افتاده بودند، خلاصی بخشند. «لنین می‌نویسد:» هرگز یکی از این کودکان بود.

انقلاب دسامبر دستها او را بیدار و خلاص کرد. در روسیه، تودول آن ابا، او فریبید چگونه خود را بالا بکشد، و همین نکته بود که هرزن را در کوفت برد کرد. بزرگترین متفکرین عصر قرارداد «هرزن در خارج از کشور چاپخانه روسی آزادی تهیه کرد، که مهمترین خدمت او شمرده میشود.

روزنامه «پولیارنا یازودا» دنبال همان خط مشی انقلابیون دسامبر را گرفت. روزنامه دیگرش «کولو کول» ۱۸۶۷ - ۱۸۵۷ برای بیداری کشاورزان ببارزه تند پرداخت. و در نتیجه این اقدام خاموشی بردگان شکسته شد.

در آخر اضافه میکنم: «ما وقتی هرزن را بخاطر بیادوریم، سه سال، سه دهه است که در انقلاب روسیه سهمیه بوده‌اند. بوضوح می‌بینیم: یکی دسته اعیان و ملاکین بزرگ - یکی دسته انقلابیون و سوسیالیست‌ها. جمعیت انقلابیون بسته به»

از این رو که ایشان با مردم زیاد فاصله داشتند. ولی عمل آنها بی نتیجه نماند. دسامبر دستها هرزن را بیدار کردند، و هرزن یک جنبش انقلابی را «این جنبش که از او تشکیل شده، دست و استقامت یافت و باز دست انقلابیون جان گرفت، با چیره‌وشکی آغاز و با جفاکان «نارودنا یولیا» پایان می‌گیرد.

حزب مبارزه جوانان، وسیع گشته، همبستگی اردیک با ملت پیدا کرد. هرزن با آنها ایستاد: «ناخدا یان توفان آینه» ولی این جمعیت هنوز بتوفان تبدیل نشده بود. «توفان همان جنبش توده‌هاست. پرو لوتاریا که تنها طبقه انقلابی خاموش نشدنی است، بی‌شوش آمده، برای نخستین بار، ملوینا یازودا آماده مبارزه شده بودند.

اولین موج توفان بسال ۱۹۰۵ برخاست. گورکی، بچشم لنین نماینده این «توفان» بوده‌اند. در حال ادب و در توفان توده‌ها نیز «بچشم» بزرگترین نمایندگان «سویوس است» صفاتی که لنین دوست گورکی را با ایشان میدید، و ارزش‌ها و عقاید و موثر او را نسبت به بزرگترین نویسنده جمعیت انقلابی روس می‌رساند. «نیوتوان خواند و بیچگان نیامد. این نویسنده است که گورکی از اولین بر خور خود با لنین میکند. این گفتگو اندکی پس از نگارش رمان «مادر» دست داده: «این مرد موروثی، خفته، محکم، که یکسختش را به پیشانی بلندش میکشید، و یادگیری دست‌ها فشار میداد: در حالیکه از چشم‌های بزرگش برق مخصوصی ساطع بود؛ بلافاصله از اغراضهای کتاب مادر صحبت کرد - نسخه خطی این کتاب را از لاد زینکوف قرض گرفته خوانده بود - من گفتم کتاب را بجهت او نوشتم؛ لنین فرود آمد که حلقه‌ها را بگورم؛ و سرش را به علامت رضایت تکان داده گفت: «خوب گردید که عجله بفرج دادید؛ زیرا کتاب سودمندی است. کارگران بی‌شمار که وجداناً، در جنبش‌های انقلابی شرکت میکنند، از انتشار مادر بهره‌مند خواهند شد.»

لنین به گورکی پیشنهاد میکند که در همه ادبی مجله پرو لوتاری حرکت کند و در این باب به آناتول لوانچارسکی می‌نویسد: «لینن من، آرزو داشتم که قسمت انتقاد ادبی مجله را دانی بکنم، و این کار را بعهده ام. و اگر گذار کنم (آلکسی - ما که می‌خواهیم یعنی گورکی) اما نمی‌توانم، خیلی هم می‌ترسیم که این پیشنهاد با تو بکنم، زیرا خود و خصامیت کار و بلاهت میزان کار او را میدانم. وقتی کسی در کار جدی و پر دامنه خود غوطه‌ور است، کاری که ممکن است مربوط به مسائل کوچک، روزنامه، و مقاله‌های بنگاه‌های مطبوعاتی باشد، او را از کار بازداشتن و بکار معینی گماشتن حماقت و جنایت است. من اینجا به خودی می‌نویسم و احساس میکنم... شما در این باره بهتر از منترامین نیوتوانید قضاوت کنید... ولی چاره‌ها هم منتهی‌القدره که اگر ام. را به یک کار ثابت حریف بکنیم (و در نتیجه کار حزب‌م راه بیفتد) خطای مرتکب نشده‌ایم، بگوئید و جنبه اینکار را فراهم کنید.»

همکاری لنین در روزنامه «ژودا» شروع میشود و حکایات ایتالیایی خود را که لنین درباره آنها می‌گوید: «بسیار عالی هستند» در آن چاپ می‌رساند. لنین اهمیت ادبیات روسی را برای اتحاد اخلاقی ملل کشورها خاطر نشان میکند؛ او آرزو داشت که زبان تور کینف و تولستوی در نزد کلیه کسانی که روسیه را بچشم می‌نگرند معرفی گردد.

«زبان تور کینف، تولستوی، دو برویووف، چریشوکی دایدر، و معکم است. ما بر آنیم که نزدیکترین روابط اتحاد برادری در بین کلیه طبقات مستکش ملل روسیه بدون استثناء برقرار شود. و نیز آرزو مندیم که هر یک از افراد این سرزمین بتوانند به‌سرا گرفتن زبان بزرگ روسی مبادرت ورزد.»

لنین بزبان روسی، بهت روس، و ملیت خود می‌بازد میکند. «ما چنگلی دارای احساسات فرور دلی هستیم؛ ملت روس بزرگ بتوجه بشر ثابت کرده است که میتواند برای بزرگترین جنبه‌های آزادی و برای سوسیالیسم، نمونه و سرمشق باشد... همه ما دارای حس فرور ملی هستیم، و همین لحاظ است که تا این اندازه از دوره بردگی گذشته منفریم.»

افکار لنین درباره وطن پرستی و عشق آزادیخواهی پایه ایستاد وطن پرستی، و عشق آزادی ملل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است.

تشکیل کنفرانس سان فرانسیسکو

قدرت آن کاسته شده تا جاییکه اجتناع نمایندگان که تا آخر عضویت در موسسه مزبور ادامه دادند جز جنبه گله‌گذاری و تشریفاتی جنبه دیگری نداشت.

عموما بعد از جنگ دولت‌های فاتح دورم گرد آمده و متعهد میشوند که در آینده به جنگ دیگری دست نزده و برای جلوگیری از بروز جنگ از هر گونه سعی و کوششی دریغ ندارند.

آیا قرار دادهای و تعهدات بین - الاثنتی و بین المللی به تنهایی از بروز جنگ دیگری جلوگیری خواهد نمود؟ باید دید که این تعهدات و قراردادهای مقررات به چه طریق اجرا شده و چگونه انجام آنها اجرا شده تضمین خواهد گردید.

گرچه از لحاظ وسعت میدان عمل و قدرت اراده سازمان بین المللی آینده که شالوده آنرا کنفرانس دمبارتن آکس پی ریزی کرده است با سازمان‌های سابق از خیلی جهات متفاوت است ولی منافات بسیاری از مسائل حیاتی و اساسی هنوز موقوف مانده و ملاقات‌ها و مذاکراتی که تاکنون بین سران ملل متفق انجام گرفته و قرار دادهای معاهداتی که با مضامین رسیده است اکثر جنبه جنگی و سیاسی داشته کمتر به مسائل اقتصادی و اجتماعی که پایه و اساس هر صلح طولانی و پایاداری است توجه شده است.

موقعیت کشورهای کوچک و تحت‌الحمایه با مستملکات و درجه مداخله آنها در امور بین المللی تعیین نشده و معلوم نیست که آزادی و استقلال اقتصادی و سیاسی این کشورها در آینده چگونه تامین و تضمین خواهد گردید.

تقسیم مواد اولیه موضوع بازارها مسئله محدود فعالیت کارتلها و تروست ها مسائل مفصلی هستند که باید کنفرانس سان فرانسیسکو مورد مطالعه و دقت خود قرار داده عادلانه ای که با مقتضیات روابط بین المللی کنونی وفق دهد تنظیم کند و سعی نماید توافق نظر عمومی در کلیه این موارد تحصیل شود.

مادام که مشکلات اقتصادی و اجتماعی ملل که هر چند وقت یکبار دنیا را بجنب خونین تازه ای سوق میدهد حل نشود انتظار صلح پایداری را نمیتوان داشت.

همکاری و هم‌آهنگی مابین کلیه کشورها و در درجه اول مابین کشور های بزرگ شرط لازم و کافی موقیعت کنفرانس سان فرانسیسکو و جمع کنفرانس هائیت است که در آینده تشکیل خواهد گردید.

امیدواریم که کشورهای بزرگ متفق که مسئولیت سنگین صلح آینده در مرحله نخست متوجه آنها است بیش از تسلط به جهان بعد از جنگ بمداخلت خود بر نیامده و رفتارته از اهمیت و در این روزهای دھوار که ما بر علیه هیترلیسم مشغول مبارزه هستیم آخرین مرحله کامیابی را می‌بینیم. ستالین میهن پرستی شوروی را با این جمله بیان میکند: «حرف ملی و مناقصه حیاتی عموم کارگران اتحاد شوروی با میهن پرستی سوسیالیستی هم‌آهنگی کامل دارد.»

اکنون به بینیم افکار لنین نسبت به فرهنگ و ادبیات آینده چه بود؟ سخن را بخود او واگذار می‌کنم: «ادبیات آینده آزاد خواهد بود، زیرا نیروهای جدیدی که بی‌وسه به خود میکشند، دارای فکر سوسیالیستی و مهر کارگری است، نه آنکه برای منافع شخصی و شهوت، این ادبیات آزاد خواهد بود، زیرا بجای آنکه خود را وقف توصیف فلان زن معمولی و هزارها مالدار بقیه در صفحه ۸

نمایش دیدنی، جذاب، شیرین و دلپذیر

خاله چارلی

با شترک بهترین هنریشکان
بذیع و بمنظور یومیه شدن

روزنامه آزادگان

در سال سینما تا فرهنگ واقع در خیابان لاله زار

نمایش ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه هفتم اردیبهشت

شروع خواهد شد

فراموش نکنید؛ حتما بیایید و از تماشای این نمایش لذت ببرید

ضمن نشر یک روزنامه کهن سال ملی و آزادخواه هم کمک کنید

دفتر روزنامه آزادگان

حکمی

وکیل پایه ۱ دادگستری

دفتر لاله زار کوچه تکیا

۴-۲

فریدر از روی نوشتجات خودش بشناسید

کتاب پنج درس بسبب آنا لیز تالیف دانشمند و پزشک بیماری وانی استاد سابق دانشگاه وین بزودی منتشر خواهد شد بهاء فروش قبل از انتشار ۲۰ ریال و پس از آن ۳۰ ریال بود.

امواج اثر فضل‌مگرگانی

کتاب‌فروشیهای: این سینا - دادیان - (چهار راه معبرالهدایت) - ایستگاه (شاه آباد) آکادمی (خیابان فردوسی) - مظفر (سراوه امین - حضور) ریال

بزودی پروین و پروانه

